

سیاہ کمان

علی ملک پور

تصویرگر: سامان ملک پور

نشر راش

۱۳۹۰

سرشناسه :	ملک پور، علی
عنوان و پدیدآور	سیاه کمان / علی ملک پور.
موضوعات نشر	تهران: راش، ۱۳۹۰.
موضوعات نگارگری	۶۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۰۷۸-۰۲-۱
موضوع	شعر سپید-- قرن ۱۴
موضوع	شهر فارسی-- قرن ۱۴
رده بندی کتبی	۱۳۹۰ ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۷۸-۰۲-۱ PIR
رده بندی دیوپی	۸۶۱/۶۲
شماره کتابخانه ملی	۲۴۳۴۱۴۲

تهران - خیابان کارگر جنوبی - بالاتر از خیابان لیافی نژاد - کوچه سرود - شماره ۸
واحد ۵ - تلفن ۶۶۴۹۳۵۲۸ و ۹۱۲۱۱۸۶۰۹۰

نام کتاب :	سیاه کمان (شعر کوتاه)
نویسنده :	علی ملک پور
تصویرگر :	سامان ملک پور
حروف چینی :	راه شهاب
چاپ اول :	۱۳۹۰
شمارگان :	۵۰۰ نسخه
قیمت :	۲۰۰۰ تومان
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۶۰۷۸-۰۲-۱

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	پیشگفتار
۱۳	با تمام تو
۱۴	رهایی
۱۵	کلاودشت!
۱۶	شاگرد اول
۱۷	یک
۱۸	خدا و عشق
۲۰	دزدی
۲۲	همین!
۲۴	قتل شبه عمد
۲۵	زن
۲۶	نازنین
۲۸	تو می توانی
۲۹	سربازها
۳۰	اگر... شاید
۳۱	ناداری

۳۲	سرداب رود
۳۳	نامه عاشقانه
۳۴	شهر
۳۶	عنم آب
۳۷	براده‌ها
۳۸	شمع
۴۰	سپاس
۴۲	لحظه‌های بازی
۴۳	یاد تو
۴۴	تسلیت
۴۶	تقویم
۴۸	چاره
۵۰	مادر
۵۲	عادت
۵۴	سلام
۵۶	همه
۵۷	بایگانی
۵۸	عقربه
۶۰	باغ
۶۱	رفیق
۶۴	مدیون

مقدمه

در چند سال اخیر که شاید عمری گران فرسود و تشویق و تلنگرهای بارزی که از هر کرانه ورزیدن گرفت ما را بر آن نداشت که لختی درباره اندیشه های متبلور خود فکر و تأملی کنیم جز اندکی که بی کمان قابل عرضه نبود و ما را در مضیقه انزوا دچار نمود. حالیا جای بسی امتنان است که هنوز یارقه های امیدوارانه در گوشه و کنار در می گیرند و نمودی شاعرانه می یابند. از جمله دفتر حاضر که نخستین تجربه شعری عزیزی است که مرا بر آن داشت مقدمه ای بر آن بنویسم و از این بابت بشیاء خرسندم.

نخستین برخورد باین دفتر، از لحاظ ساختار ما را با یاد اشعار هائیکو می اندازد که تنها یک تابلو یا لحظه ای از لحظات ناب یک اتفاق از عناصر طبیعی می تواند تلقی شود که به هر حال اولین دریافت ذهنی که ما را با خود می کشاند،

راستی و صمیمیت بی‌وقفه شاعر است در برخورد با طبیعت، با خویشتن خویش، با اجتماع ناگزیر که غالباً از دید شاعر بعضاً ناصمیمی و نارضا جلوه می‌کند. و این توانسته بر تسمتی از آگاهی روانی شاعر متجلی گردد.

از نظر یونگ «انعکاس بخشی از روان شاعر طبعاً در کلمات و مصراع‌ها ظهور می‌یابد» و درست می‌گوید چرا که پیشینه قومی و تاریخی، تجربه و دانش و نظام اندیشه زبانی همچنین انتخاب‌ها و سلیقه‌های شاعر در قابل نظام نمادپردازی و نشانه‌شناسی وی می‌تواند تعریف شود.

البته ما را سر آن نیست که وارد این مقوله شویم که بیم آن می‌رود فاکتورهای مذکور در نو در توی مبهم صمیمیت شاعر استحاله گردد و ماهی مقصود ما در شست اندیشه در نیاید. باری جای تردید نمی‌ماند این که شاعر برخوردار است، برخوردار از پشتوانه فرهنگی و عاطفی و خیال، و چنین فاکتورهایی است که شاعر زبان خود را در می‌یابد و تاریکی وجود خود را در کلمات و واژه‌ها منعکس می‌کند.

شاعر زبانی ساده و دوستانه دارد و نزدیک به زبان گفتگو از امکانات زبانی تا حدودی سود جسته است. در بکارگیری بیان، شاعر جهت بیان مفاهیم هرگز توسل به واژه‌های مغلق و پیچیده توسل ندارد، غالباً با طبیعت روبرو است و گه گاهی عناصر آن را مخاطب قرار می‌دهد و این رویکرد صمیمیت

شاعر را دوچندان می‌کند و حیثیت عاطفی وی را تشخیص می‌بخشد. در برخورد با طبیعت هنگامی که آهو ناگریز است تا از حریم ذهنی شاعر بگریزد، شاعر انسان را در تقابل با طبیعت می‌بیند.

گذشته از بخشی از اشعار حروفی که می‌تواند طبیعی باشد رگه‌های روشن بیانهای تصویری که رویکرد ادبیات جدید هم همین است، دیده می‌شود.

جا پای این تصاویر که در گامهای کوتاه شاعر جلوه‌گر است البته ذاتی شاعر است و ناخودآگاه و هیچ عمدی در کار نیست و صد البته معهود ذهنی شاعر هم نمی‌باشد. در ارائه تصاویر عناصر پیش‌افتاده قابل دسترس را به خدمت می‌گیرد و جهت بیان مقاصد و مفاهیم هرگز متوسل به بیانهای آگاهانه و ظرافت‌های فاضله نیست. همانطور که می‌اندیشید می‌نگارد و هیچ کوششی در ادای مفاهیم ندارد و شیوه‌وی جوششی است و ساختاری قابل قبولی دارد.

شاعر از هراس انسان در جامعه کنونی می‌هراسد که خود را نمی‌شناسد، خود را باخته است، از تنهایی و دل‌تنگی و هم‌آلود خود در تنگنای قضاوت و پرسش می‌هراسد، چرا که همه‌مهمه مبهم شهر، شهری آمیخته از آهن و آه و «هیچ»، لطافت موهوم و متروک شاعر را می‌خراشد. به هر حال شاعر تنهاست و در تنهایی واضح خود می‌گوید و می‌ماید.

من حیث المجموع لحظه‌های نابی در این دفتر می‌توان سراغ گرفت مانند: قطعه «سرباز»، «براده‌ها»، «زن» و «شاگرد اولی». شاعر می‌تواند قدم‌های بعدی را بلندتر و عمیق‌تر بردارد که افق‌های روشنی فراروی وی قابل تجسم است و راقم این سطور را چنین امید و آرزویی است.

علی بی‌خویش

دی ماه هزار و سیصد و نود خورشیدی

کلاردشت

پیشگفتار

مرا ادعای شاعری نیست. این اعتراف، کار من و هم کار مخاطب را تمییز می‌کند که با یک شاعر مواجه نیست. هر کس بخواهد شاعری کند، باید تعلیم ببیند و پای مشق و مکتب بزرگان شعر و ادب بنشیند. و پس از سال‌ها شاگردی، گرد و غبار و گیر و دار این طریق را تجربه کند.

من شاعر نیستم اما با کلمات سرو سری دارم. هم‌زمانی و هم‌نشینی با کلمات حق همه انسان‌هاست. آزادی بیان یعنی حق بهره‌مندی آدمی از همه کلمات، حتی که هیچ کس نباید آن را نادیده بگیرد. من نیز چنین کردم. یعنی با کلمات هم‌نشینی کردم و هم‌زمانی.

کلمات دوستان من‌اند، من هر وقت بخواهم به سراغشان می‌روم و آن‌ها را در افکار، عقاید و بیان احساساتم شریک می‌کنم. کلمات نیز به من کمک می‌کنند که بتوانم همه وجدانم، آگاهی‌ام، عشقم و آرمانم را در ظرف و ظرفیت آنها

بریزم و به مخاطبم عرضه کنم.

کلمات بامن مانوسند، بر خلاف آدمیان، از من نمی‌گریزند، به من روی خوش نشان می‌دهند و همه وقت در دسترسم هستند. هیچگاه به دنبالشان نمی‌گردم و نوبه نو و لحظه به لحظه خود را به من عرضه می‌کنند به هیچ محتنی و متنی.

این گونه است که من این دفتر را به کمک کلمات نگاشتم. کسی که ادعای شعر و شاعری نکند نگران نقد و نفی دیگران هم نیست، اما نگرانم که مبادا «این نوشته‌ها شخم قلم، بر کاغذ بی‌گناه» باشد و کلمات را به ناحق به زحمت انداخته باشم و قدرشان را ندانسته، معطلشان کرده باشم. اگر چنین است پیشاپیش از کلمات و از آن‌ها که قدر کلمه را می‌دانند، پوزش می‌طلبم.

علی ملک‌پور

خرداد ۱۳۹۰ - تهران